

# مبانی و شاخص‌های راهبردی مدیریت اسلامی در حکومت علوی

**چکیده:** یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های بشر در قرن تکنولوژی، بهره‌مندی مناسب از منابع انسانی و مدیریت راهبردی است. این امر با تبیین اصول، مبانی و زیرساخت‌های مدیریت حاکم بر جامعه‌ی هدف، موجب رسیدن به قله‌های کمال و ایده‌های منحصر به فرد می‌گردد. در این مقاله به بررسی برخی مبانی و شاخص‌های مدیریت اسلامی که امیرالمومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام در زمان حکومت ۵ ساله خویش به نحو احسن به منصفه ظهور رساندند، پرداخته شده است. یافته‌های این مقاله بیانگر خداترسی، خدامحوری، تهذیب نفس و دنیا‌گریزی در دریای بیکران اندیشه‌ی زلال علوی است، که عامل اصلی مدیریت راهبردی و تحقق برنامه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی با محوریت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است. در نتیجه باید گفت تحقق و ظهور دولت و تمدن اسلامی به طوراکمل نیازمند پیاده سازی بینش ناب علوی علیه السلام توسط مدیران جامعه است.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت، اسلام، امام علی علیه السلام، حکومت، اصول، حاکم.

## محیا حاکان

(نویسنده‌ی مسئول)

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد

علوم قرآن و حدیث

mhakakan@yahoo.com

## دکتر مهشیدالسادات طبایی

استادیار

دانشگاه آزاد اسلامی

## دکتر ولی‌الله مهدوی

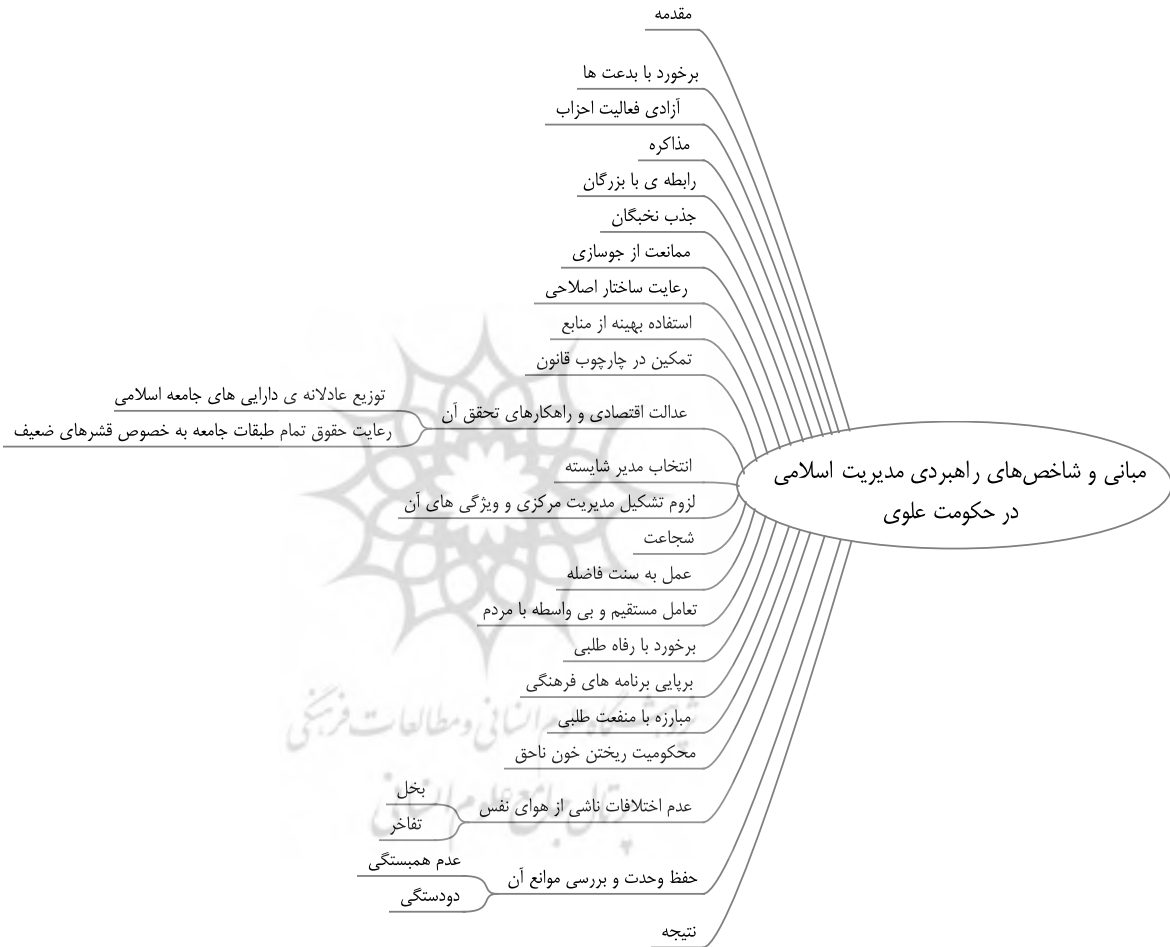
استادیار

دانشگاه پیام نور

## پیشینه‌ی مقاله

دریافت: ۹۴/۰۷/۰۵

پذیرش: ۹۴/۰۹/۳۰



## ۱. مقدمه

یکی از دغدغه‌های مهم جامعه‌ی امروز مدیریت زندگی اجتماعی است، جامعه‌ای که باید در آن بینش عقلانی حکم کند فصل الخطابی باشد تا جامعه از هرج و مرج نجات پیدا کند. در تعریف اکمل مدیریت اسلامی که پایه‌ی اساسی مدیریت علوی است می‌توان به این موضوع اشاره نمود که مدیریت اسلامی متشکل از مجموعه معارف اسلامی از جمله اعتقادات، اخلاق و احکام است که از فقه الاحکام سرچشمه می‌گیرد و صرفاً محدود به دایره فقه نمی‌باشد. (قوامی، بی‌تا، ص ۴۱) با توجه به تعریفی که گذشت قلمرو مدیریت اسلامی چنان وسیع است که در تمامی عرصه‌ها به ارائه راهکار، استراتژی مدیریت و توسعه مدیریت می‌پردازد. شیوه‌ی صحیح مدیریت اسلامی می‌تواند الگویی برای مدیریت جهانی محسوب گردد. اگر به تعریف مذکور در خصوص مدیریت اسلامی واقف گردیم و بدانیم مدیریت اسلامی متشکل از مجموعه‌ی معارف اسلامی، احکام الهی و ره‌آموز ایمان راسخ به خداوند است؛ پس سؤالاتی به وجود می‌آید که چرا برون داد نحوه‌ی عملکرد برخی مدیران حکومت اسلامی بسیار ضعیف و غیرعادی است؟ آیا به سبک و تاکتیک‌های راهبردی مدیریت اسلامی آشنایی ندارند؟ مدیریت عملکرد (خودارزیابی) در نظام مدیریتی آنان تعریف نشده است؟ شناخت کافی به علم مدیریت در حوزه تخصص خویش ندارند؟ آیا انتخاب آنان به عنوان مدیر کارآمد، ناشایست بوده است؟ و یا دستگاه‌های نظارتی سکوت کرده‌اند؟

از شاخص‌های مهم و اساسی حکومت درخشان امام علی علیه السلام نگاه توحیدی و خردمندانه به همراه تدبیر و برنامه‌ریزی موفق پیرامون مدیریت اسلامی بود. طبق بررسی اسناد معتبر تاریخی حکومت پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دارای فراز و نشیب‌های سخت مدیریتی بود که در این مقاله به برخی از موارد نقل شده که برآیند روشن معرفت الهی و

گستره‌ی جهان بینی توحیدی است را اشاره می‌کنیم.

## ۲. برخورد با بدعت‌ها

از وظائف اجتناب ناپذیر رهبرجامعه انسانی ایجاد آرامش و امنیت برای مجموعه کوچک و یا بزرگ تحت مدیریت خویش است که این مهم با سعه‌ی صدر و اتخاذ تصمیم درست در قبال ساختارشکنی‌ها و بدعت‌ها به منصفانه‌ی ظهور می‌رسد.

طبق بررسی‌های انجام شده ادبیات لین و قاطع در کارنامه‌ی مدیریتی، بیش از پیش مورد نظر همه‌ی بزرگان، بالاخص علماء مدیریت و ائمه معصومین علیهم‌السلام بوده است (عمید زنجانی، ۱۳۴۴ ق، ص ۹۴-۸۳). چنانچه اگر با تاریخ سیاسی اسلام همراه شویم و از ژرفا زندگی سیاسی-اجتماعی بزرگان معنوی و خصوصاً مدیریت بی‌نظیر امیرالمومنین علیه‌السلام را رصد نماییم در نتیجه باید به این موضوع اذعان کنیم که ایشان پس از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برجسته‌ترین الگو در ظهور مدیریت اسلامی بودند که با اتخاذ تصمیم‌های صحیح با بدعت‌های پیچیده‌ی زمان خویش به مبارزه پرداختند و معبر مدیریت اسلامی را برای کارگزاران و مدیران جامعه اسلامی هموار نمودند.

زیرا آن حضرت مبنای تصمیم خود را بر اساس عقل و حکمت قرار داده بودند، نه وهم و شهوت. نمونه‌ی بارز آن، که بیانگر شیوه‌ی مدیریت الهی ایشان است برخورد آن حضرت با بدعت‌های زمان خویش است؛ به عنوان مثال در بین صحابه و خلفاء با وجود قرآن و سنت کسانی بودند که احکامی را به عنوان بدعت مطرح کردند که امام با این بدعت‌ها به طور جدی برخورد کردند، و در خطبه‌ای از اشتباه‌های دسته‌های مختلف اظهار شگفتی کرده و می‌فرماید: «در شگفتم، چرا در شگفت نباشم از خطای گروه‌های پراکنده با دلایل مختلف که هر یک در مذهب خود، نه گام بر جای گام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌نهند، و نه از رفتار جانشین او پیروی می‌کنند، نه به غیب ایمان می‌آورند و نه خود را از عیب بر کنار می‌دارند، به شبهات عمل می‌کنند و در گرداب شهوات غوطه‌ورند، نیکی در نظرشان همان است که می‌پندارند، و زشتی‌ها همان است که آنها منکرند. در حل مشکلات به خود پناه می‌برند، و در مبهمات تنها به رأی خود تکیه می‌کنند،

گویا هر کدام، امام و راهبر خویش می‌باشند که به دستگیره‌های مطمئن و اسباب محکمی که خود باور دارند چنگ می‌زنند». (جعفریان، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۲۴۵) در مدیریت علوی ابتداء با ملامت با بدعت گزاران برخورد می‌نمودند و زمانی برای بازگشت آنها به اصول اسلامی در نظر می‌گرفتند. در صورتی که طاغیان به رویه‌ی باطل خویش ادامه می‌دادند طبق فرمایش قرآن، با آنان تا برگشت به دین خدا مبارزه می‌کردند (الحجرات، ۹) که در مدیریت علوی این موضوع بدون در نظر گرفتن مقام و جایگاه فرد، کاملاً مشهود است. امام علی علیه السلام به جد در راستای حفظ احکام، محتوای بلند قرآن، سیره و سنت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله کوشید و با صحابه بدعت گزار، به مبارزه برخاست. برخورد شدید و جدی با بدعت‌گزاران در هر دورانی از اهمیت فراوانی برخوردار است چون آنان دین و فرهنگ مردم را نشانه گرفتند که پیروزی در این مبارزه، مشروط به آن است که مدیر از شأن اجتماعی-دینی و از شخصیت الهی برخوردار باشد، تا بتواند اهداف الهی با رنگ و بوی عبودیت را که یقیناً در جهت زنده نگه داشتن دین حق است به منصفی ظهور بنشانند. و قطعاً طبق تاریخ اسلام و آموزه‌های دینی و سیره انبیا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در حکومت ۵ ساله‌ی خویش، در جایی که رضای خدا نبود با اباطیل سازش نکردند و با تمسک به حبل محکم الهی با شجاعت تمام، راه بدعت‌گزاری در دین را مسدود نمودند.

چهار مفهوم منفی بدعت، فتنه، شبهه، تفرقه از نظر امام علیه السلام عامل سقوط و شکست مدیریتی در جوامع اسلامی است که تفکر سیاسی، منطقی و دینی با این مفاهیم کاملاً در حال تقابل می‌باشند. در زمان حکومت امام علی علیه السلام ایشان با آن مسائل به شدت و با جدیت برخورد کردند.

### ۳. آزادی فعالیت احزاب

از دیر باز فعالیت گروه‌های سیاسی در حکومت‌های مختلف مورد توجه سیاستمداران و اندیشمندان بوده است و اغلب آن را یک نوع رقابت سالم و هدفمند در راستای رشد و ارتقاء فهم فرهنگی-سیاسی مردم می‌دانند.

با سیری در تاریخ اسلام، به عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان بنیان گذار حکومت اسلامی اشاره می‌کنیم. به نقل از تاریخ،

در زمان آن حضرت همه‌ی گروه‌ها در داخل دولت اسلامی دارای فعالیت بودند (مارسل بوازار، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۷۹)، و نسخ آن فعالیت‌ها مشروط به زمانی می‌شد که برای امنیت حکومت اسلامی خطر آفرین باشد. با توجه به همین مسئله، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با چندین حزب سیاسی فعال در مدینه به مبارزه پرداختند (ابومحمداحمدبن علی اعثم کوفی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۵۱). چنان‌چه این حکم و جریان در زمان امام علی علیه السلام هم تکرار شد با این تفاوت که احزاب مختلف، که طبعاً مذهبی بودند در زمان حکومت امام علی علیه السلام فعالیت‌های گسترده‌ای داشتند که نشان دهنده‌ی امنیت فکری و بیانی در بین آنها بود، به عنوان مثال به دودسته می‌توان اشاره نمود که دسته‌ی اول امام علی علیه السلام را پذیرفتند و اطاعت ایشان را لازم شمردند و دسته‌ی دوم بنی‌امیه بودند که حاضر به پذیرش امام نبوده و از اساس خلافت امام را مشروع نمی‌دانستند (جعفریان، ۱۳۷۴ ش، ج ۲ ص ۲۱۳). امام علی علیه السلام طبق سنت نبوی با شخصیت‌هایی که برای اسلام خطر آفرین به شمار می‌رفتند برخورد جدی می‌کرد؛ به عنوان مثال، معاویه که یکی از محرکین اصلی مرگ عثمان به شمار می‌رفت را از هرگونه فعالیت اجرایی بازداشت. معاویه بعد از مرگ عثمان به عنوان خونخواهی او، از اطاعت و حکومت امام علی علیه السلام خارج شد و با تحریک اصحاب جمل، سعی در برهم زدن حکومت حضرت داشت و آن‌گاه خود وارد میدان شد و جنگ صفین را به راه انداخت و هم او بود که باعث تحریک و تشکیل گروه منحرف خوارج و غائله جنگ نهروان شد و به این ترتیب خودش را امیرالمومنین خواند و توانست حکومت بنی‌امیه را پایه‌گذاری کند. امام علی علیه السلام علی‌رغم اصرار و مصلحت‌اندیشی اصحابش حاضر نشد معاویه را در پست استانداری شام ابقاء کند و در این رابطه فرمود: «و الله لا استعمل معاویه یومین ابدا...» یعنی: به خدا قسم که حتی به اندازه‌ی دو روز هم اجازه نمی‌دهم معاویه در پستش باقی بماند (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱) و در جای دیگر می‌فرماید: «لا والله لا اعطینه الا السیف» یعنی: نه، به خدا سوگند جز ضربات شمشیر چیزی به معاویه نخواهم داد» (همان). در واقع می‌توان گفت سیاست امام علی علیه السلام در مقابل حزب معاویه، عدم سازش بود. امام علی علیه السلام هرگز راضی نشد تا با شمشیر کفر و نفاق به پیروزی برسد، بلکه بر این باور بود آن پیروزی که با شمشیر ابوسفیان و همکاری معاویه حاصل شود، شکست دین و آرمان اسلام است.

#### ۴. مذاکره

داشتن روابط حسنه با جامعه خارج از سیطره‌ی مدیریتی از شیوه‌های مهم و کارآمد در حوزه‌ی مدیریت است. مدیریت با محوریت گفتمان دینی و جذب حداکثری از آرمان‌های حکومت اسلامی است.

از این رو مذاکره‌ی صحیح از مقدمات ضروری در بینش مدیریتی به شمار می‌رود که به خیلی از نزاع‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاتمه داده و در نتیجه در جهت بهسازی روابط و رسیدن به نقطه‌ی عطف اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. در حکومت حکیمانه امام علی علیه السلام مذاکره، جایگاه ویژه‌ای داشت. به عنوان مثال پس از حادثه‌ی صفین و اختلاف بین مسلمانان و جدا شدن خوارج از لشکر حق مدار امام علی علیه السلام، حضرت در صدد برآمدند که با خوارج به مذاکره بپردازند که شاید آنها را از اقداماتشان بازدارند از این رو ابن عباس را به عنوان نماینده به سوی آنها فرستاد ولی برخی مغرضانه بر عقیده‌ی خود پافشاری نمودند (حسن، بی‌تا، ص ۳۲۲).

حاکم اسلامی می‌بایست با در نظر گرفتن منافع مسلمانان و استقلال حکومت اسلامی در برخورد با نخبگان و احزاب سیاسی ملاطفت لازم را داشته باشد. به دیگر سخن، وجود مذاکره در حکومت اسلامی به معنای وجود سیاست روشنفکرانه و جذب حداکثری است، بنابراین بزرگ‌ترین مذاکره‌ی تاریخ بشریت در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جریان مذاکره با مسیحیان نجران بود که آیه‌ی مباحله (آل عمران، ۶۱) پیرامون مذاکره منقول نازل شد که در نوع خود بی‌نظیر و از پویایی خاصی برخوردار بود. بنابراین به‌کارگیری این شاخص‌ها موجب گردید که مدیریت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام جهان شمول و در عرصه‌ی بین‌المللی، حکومت اسلامی از جایگاه ویژه و اعتبار خاصی برخوردار گردد. این عملکرد باعث تسهیل ورود حکومت اسلامی به عرصه‌های مختلف شد.

#### ۵. رابطه‌ی با بزرگان

تعامل فکری با بزرگان و نخبگان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در نهایت مشورت گرفتن از آنها در امور و در عصرهای مختلف برای مسئولان و رهبران بسیار مفید بوده و در عملکرد آنها تا ثیر بسزایی خواهد داشت.

امام علی علیه السلام در خطبه‌ای در اهمیت این موضوع می‌فرماید: «روابط خود را با افراد با شخصیت، اصیل و خانواده‌های صالح و خوش سابقه برقرار کن که کانون گرم و شعبه‌هایی از خوبی هستند» (عزیزی، ۱۳۸۰، ش، ص ۲۱۹). امام علیه السلام در این قسمت به معیارهای مهمی برای مشاور اشاره می‌نماید از جمله: با شخصیت، اصیل، صالح، خوش سابقه که بسیار قابل توجه است.

اهمیت ارتباط با بزرگان، از منظر امام علی علیه السلام بسیار قابل توجه است که در خطبه‌ی ۲۱۶ به موانع ارتباط رهبر با بزرگان و مردم اشاره می‌نماید و می‌فرماید: بدترین زمان و حالات مدیر در نزد مردم زمانی است که مردم در ارتباط با وی گمان کنند که مدیر متفاخر، متکبر و خود پسند است. این صفت رذیله مانع برقراری ارتباط بالنده مدیر با مردم و بزرگان و عامل مؤثر در جهت انحطاط قلمرو رهبری وی خواهد شد. امام علی علیه السلام در حکومت خویش زمامداران را به مشورت با توده‌های مردم و خواص با بصیرت توصیه می‌نمود تا در مدیریت اسلامی موفق و پیروز باشند.

## ۶. جذب نخبگان

از جمله اندیشه‌های امام علی علیه السلام در مدیریت، جذب نخبگان علمی، سیاسی، اقتصادی و فعالان مذهبی در عرصه‌های مختلف بود. سیاست مذکور در راستای جلب رضایت و پشتیبانی از حکومت اسلامی بسیار حائز اهمیت بود. به عنوان مثال آن حضرت در آغاز ورود به کوفه کوشید تا اذهان مردم، بزرگان اشراف و رؤسای قبایل را نسبت به مسائل روشن ساخته و آنان را برای پشتیبانی از رهبری در تحولات بعدی مهیا نماید (عزیزی، ۱۳۸۰، ش، ص ۱۵۹).

با نگاهی دقیق به سیره‌ی علوی، کیاست و سیاست امام کاملاً مشهود است. هرچند امام عالم بر غیب و متصل به انوار الهی بود لیکن سیر قانون علت و معلول ایجاب می‌کرد که مانند عامه مردم مسائل پیرامون را مدیریت کنند و مشکلات و چالش‌ها را به طور عادی برطرف نمایند.

گزینش افراد صالح برای انجام امور جاری یکی از دغدغه‌های ائمه علیهم السلام و دلسوزان اجتماع اسلامی است. چنان‌چه امروزه در جوامع اسلامی بیش از پیش این قضیه مورد انتظار مردم و مسئولان است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «آگاه باشید



گرفتاری که شما مردم هنگام بعثت پیامبر خدا ﷺ داشتید امروز دوباره به سوی شما برگشته .... باید زیروری شوید و صاحبان فضیلت که عقب افتاده‌اند پیش افتند و آنان که به ناروا پیش گرفتند عقب افتند» (عباس عزیزی، ۱۳۸۰ ش، خطبه ۱۵). استفاده از تجربیات و علم صاحبان فضیلت که به دلایلی از عرصه‌ی سیاست و فعالیت‌های جاری کشور دور شده‌اند می‌تواند جان تازه‌ای به بدنه‌ی کاری سیستم تزریق نماید و جامعه با بهره‌مندی از تمام استعداد‌های موجود از جمود فکری و علمی بیرون آمده و راه پیشرفت را بییماید.

## ۷. ممانعت از جوسازی

ارتباط با فرهنگ‌های بیگانه پیامدهای زیانباری برای حکومت اسلامی به همراه دارد و این روند از دیر باز برای به سلطه کشیدن مردم مسلمان معمول بوده است.

در زمان حکومت امام علی علیه السلام قصه خوانی پیرامون یهودیان در مسجد متداول بود که آفت‌های متعددی به همراه داشت به عنوان مثال فراموشی و بی‌اهمیت جلوه دادن کلام وحی، احادیث و سیره‌ی رسول خدا ﷺ یکی از بازخوردهایی بود که به نوعی مانع ترویج قرآن و احادیث می‌شد. از طرفی کتاب‌های آسمانی تحریف شده پیش از قرآن، انحراف فکری- عقیدتی را در جامعه رقم می‌زد. بدین جهت امام علی علیه السلام قصه‌خوانان را از مسجد بیرون نمود و آنها را از این عمل نهی کرد و فرمود: «هرکس از پیشینیان کتابی دارد از بین ببرد» (جعفریان، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۵۳) در حدیثی امام باقر علیه السلام به آثار تقلید از فرهنگ بیگانگان پرداخته و فرمود: «خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود که به قومش بگوید: هم چون دشمنان خدا لباس نپوشند مثل آنان خوراک نخورند و به شکل ایشان در نیایند که در این حال هم چون آنان دشمن خدا خواهند بود» (شیخ طوسی، ۱۳۸۸ ق، ج ۶، ص ۱۷۲ و شیخ صدوق، ۱۳۶۱ ش، ج ۱، ص ۲۵۲).

## ۸. رعایت ساختار اصلاحی

اقدامات اصلاحی در سطح سازمان یا حکومت می‌تواند در جریان شکل‌گیری سالم شخصیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مردم و جلب رضایت آنان موثر واقع شود و امام علی علیه السلام مدیران و حاکمان اسلامی را در برپاداشتن این ساختار که

در راستای بهبود وضعیت مردم طراحی می‌شود، توصیه نموده و آنان را به ضرورت انجام سه پروژه اساسی فرا می‌خواند:

۱. فرهنگی و اجتماعی
۲. برخورد با کسانی که حقوق مشروعه جامعه را رعایت نمی‌کنند.
۳. معرفی اخلاق برگزیده و برتر مدیریتی (ابن عبد البر، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۲).

## ۹. استفاده بهینه از منابع

استفاده بهینه از منابع مالی و انسانی تحت نظر رهبر اسلامی بسیار مهم است. این مهم زمانی در مدیریت اسلامی امیر المؤمنین امام علی علیه السلام خود را نمایان ساخت که معاویه برای حمل نامه‌ی خویش به امام علیه السلام، یکی از افراد بنی‌عباس را مأمور ساخت و گفت: وقتی داخل مدینه شدی نامه را بر روی دست بلند کرده تا مردم عنوان نامه را بخوانند. و زمانی که امام علیه السلام نامه را گشود جز «بسم الله الرحمن الرحیم» چیزی مشاهده نکرد. به حامل نامه فرمودند: پیغام تو چیست؟ وی اتفاقات شام را بر سر خون عثمان بیان نمود بعد از آن امام علیه السلام با بزرگان مدینه شورایی تشکیل داده و فرمود: معاویه با ما سر جنگ دارد. طلحه و زبیر برخاستند که به مکه بروند و در نهایت امام علیه السلام بعد از آن جلسه، مردم را بسیج نمود که تا قبل از حمله‌ی شامیان به آنها حمله نماید. (جعفریان، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۲۹) این حرکت امام و تشکیل شورای مدیریتی، اکثریت را با تصمیم امام علی علیه السلام همسو و آماده جنگ کرد. اهتمام داشتن به نظرات دیگران چه در مدیریت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (حفر خندق در جنگ احزاب که به پیشنهاد سلمان فارسی رضی الله عنه صورت گرفت) (نک: علامه حلی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۷۸) و چه در مدیریت امام علی علیه السلام کاملاً مشهود و مؤید سبک مدیریت اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم است.

## ۱۰. تمکین در چارچوب قانون

یکی از عوامل پیش روی در حکومت و سازمان که ممانعت از حرج و مرج درون سازمانی می‌گردد، فرمانبرداری نیروهای انسانی از رهبر جامعه است. بنابراین امام علی علیه السلام در اهمیت حرف شنوی افراد جامعه از قانون به سخن

حضرت پیامبر ﷺ استناد می‌کند که فرمود: «از او بشنوید و فرمانش را در هر موردی که مطابق حق است اطاعت کنید» (عزیزی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۵۸). با این حال بایستی در مرحله‌ی اول با افراد ساختار شکن و قانون گریز ملایم و در مرحله‌ی بعد با شدت و مطابق قانون برخورد گردد؛ بنابراین اطاعت از قانون در همه‌ی جوامع انسانی جزء اصول لاینفک است که سرپیچی از آن موجب نقض حقوق بشر و شهروندی خواهد شد.

## ۱۱. عدالت اقتصادی و راهکارهای تحقق آن

اقامه‌ی عدالت اقتصادی از ارکان مهم مدیریت و دوام آن به حساب می‌آید و عدم اقامه‌ی آن اساس حکومت را متزلزل خواهد نمود. یکی از گام‌های اساسی در اداره‌ی حکومت، رویکرد اقتصادی سالم و اسلامی در جهت تقسیم عادلانه‌ی بیت المال بین اقشار جامعه، در جهت فقرزدایی از عموم است. شاخص و معیار امام علی علیه السلام در عدالت اقتصادی، کلام وحی و رهنمودهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که با تأسی به آن دو توانست آن‌گونه که شایسته محرومان و مستضعفان بود، عمل کند. عدالت از نظر امام علی علیه السلام بسیار حائز اهمیت بود به نحوی که هدف از زمامداری را عدالت بیان نمود (همان، ص ۱۳۱) و فرمود: «خداوندا، تو می‌دانی که آنچه از ما سرزده است (و زمام تو را به دست گرفته‌ایم) نه به خاطر تسلط بر مردم بوده است و نه برای به دست آوردن مال و منال دنیا، برای بازگرداندن نشانه‌های حقیقی دین تو بوده است (همان).

پایبندی امام علیه السلام در طول مدیریت و حکومت خویش به عدالت اقتصادی، ایشان را سرآمد عدالت گستران در اعصار مختلف معرفی نمود، چون ایشان به سیره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می‌کرد: «انی حاملکم علی منهج نبیکم صلی الله علیه و آله» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۷، ص ۳۶) و معیار دیگر عمل وی عمل به کتاب خدا بود طوری که با تکیه بر این دو ثقل الهی با جدیت و شدت به مردم می‌فرمود: «مبادا کسی فردا بگوید علی علیه السلام ما را از حقوق مان محروم کرد» (نک: جعفریان، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۲۴۰، شیخ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۳۶۰، علامه مجلسی، بی‌تا، ج ۳۲، ص ۱۶-۱۷، شیخ طوسی، ۱۳۸۸ ق، ص ۷۲۹ و جعفری، ۱۳۵۷ ش، ج ۷، ص ۳۶-۳۷) البته لازم به ذکر است: رهبری می‌تواند این سخن را در

بین مردم اظهار نماید که خود عامل و پرهیزکار باشد و گرنه به خاطر منافع شخصی از گفتن این سخن ممانعت خواهد نمود. در زندگی امام علی علیه السلام نمی‌توان کوچک‌ترین نقص و بندگی دنیا پیدا نمود و این عامل برقراری عدالت اقتصادی ایشان است.

با توجه به فضای مدیریتی امام علی علیه السلام موانع برقراری عدالت اقتصادی آشکار می‌شود اجمال آنکه زمامدار و یا مدیری که از لحاظ خدا محوری و تقوا دارای تثبیت قلبی نباشد به آسانی در ورطه‌ی دنیاپرستی خواهد افتاد. وجود بسیاری از مفاسد اقتصادی در کشورهای اسلامی و عدم رسیدگی به عاملان آن و ملاحظه‌کاری‌ها بیانگر ضعف در پایبندی به اصول اساسی و قوانین حاکم بر جامعه اسلامی از سوی سران آن جامعه است. اگر مدیران صرفاً خدا ترس باشند، هیچ مفسده‌ای در جامعه فراگیر نخواهد شد. ترویج و گرفتاری جامعه‌ی اسلامی به مفاسد اقتصادی ناشی از ضعف دینداری و عدم آگاهی مردم و در رأس آن مدیران بی‌تقوا است که در عمل پایه‌های جامعه را سست می‌نماید که به فرمایش امام علی علیه السلام فساد باعث می‌شود جامعه هر روز از خیر فاصله گرفته و شر در آن رواج یا بد (نک: عزیزی، ۱۳۸۰، ش، ص ۱۲۹).

راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

### ۱.۱۱. توزیع عادلانه‌ی دارایی‌های جامعه اسلامی

تقسیم بیت المال به طور مساوی از جمله سیاست‌هایی است که امیرمؤمنان امام علی علیه السلام به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در جهت جلوگیری از تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص و برچیدن سفره‌ی فقر و شکاف طبقاتی انجام می‌دادند؛ آن حضرت در این باره می‌فرماید: «أَعْظَيْتُ كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُعْطَى بِالسَّوِيَّةِ وَ لَمْ أَجْعَلْهَا دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ» (ثقفی، ۱۳۵۴، ش، ج ۱، ص ۴۷). یعنی: همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله به طور مساوی تقسیم می‌فرمود من نیز عمل کردم تا اموال مانند گوی در بین ثروتمندان دست به دست نشود.

امام علی علیه السلام جامعه‌ی زمان خود را که این سیاست توزیع عادلانه در آن به درستی انجام گرفت چنین توصیف می‌کند: «همه‌ی مردم کوفه برخوردارند و در آسایش به سر می‌برند به طوری که همه از خوراک مناسب، مسکن و سرپناه کافی و

آب سالم استفاده می‌کنند (کلینی، ۱۳۸۸، ش، ج ۸، ص ۵۱).

## ۲.۱۱. رعایت حقوق تمام طبقات جامعه به خصوص قشرهای ضعیف

امام علی علیه السلام در یک نگاه کلان و جامع، تمام افراد جامعه را مورد توجه قرار داده و آنها را دسته بندی می‌کنند. حضرت، پس از این دسته بندی و بیان نقش هر یک از افراد جامعه، به حاکم و مسئول آنها در این نامه، والی مصر- سفارش می‌کند که حقوق هر یک از این طبقات را رعایت کند و با تأکید فراوان او را به رسیدگی به طبقات ضعیف جامعه و رعایت حقوق آنها توصیه می‌کند: «در مورد قشر ضعیف جامعه از خدا بترس! همان‌هایی که راه به جایی ندارند و از کار افتادگان، نیازمندان و گرفتاران به زیان و بیماری‌هایی که از پا در آمده‌اند. در بین آنها کسانی هستند که اظهار نیاز دارند و کسانی هم هستند که عزت نفس‌شان مانع از بیان نیازشان می‌شود.

در هر صورت، رعایت حق هر یک از آنها از تو خواسته شده؛ پس مبادا فرو رفتن در نعمت، تو را از توجه به آنان باز دارد، چرا که از بی‌توجهی به امور کوچک آنان به بهانه پرداختن به کارهای زیاد و مهم از تو پذیرفته نیست. از رسیدگی به امور ایشان دریغ مکن و رخ از آنان بر متاب... و در ادای حق همگان باید چنان باشی که عذرت نزد خداوند قبول باشد (شیخ حرعاملی، ۱۳۶۳، ش، ج ۱۱، ص ۸).

در فرهنگ اسلامی که سیره‌ی علوی نمایانگر آن است نیازمندان در اموال ثروتمندان و بیت‌المال صاحبان حق و شریکند:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۳۳). یعنی: خداوند سبحان، روزی تهی‌دستان را در دارایی توانگران رقم زده است. پس نداری گرسنه‌نماند مگر آنکه توانگری از حق او، خود را به نوایی رسانده است و خداوند متعال او را برای این کار بازخواست خواهد کرد.

آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی الذاریات مستندی است در این زمینه که در وصف متقین می‌فرماید: «فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ-

المَخْرُوم» یعنی: در اموالشان حقی برای سائل تهی دست و محروم از معیشت وجود دارد.

گذشته از این انفاق‌هایی که واجب است توانگران نسبت به نیازمندان جامعه روا دارند؛ امیرالمومنین امام علی علیه السلام توصیه‌ای هم به سران و مسئولان نظام اسلامی دارند. امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها دستور می‌دهد که نوع زندگی و به بیان امروزی سطح زندگی‌شان را در حدی نگه دارند که فقر و نداری، قشر ضعیف جامعه را نیازارد و آنها را از دین به در نکند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَبَيَّغَ بِالْفَقِيرِ فَفَرُّهُ» (همو، ص ۳۲۵). یعنی: خداوند بر پیشوایان عادل واجب فرموده که خود را با مردم تهیدست برابر قرار دهند تا تهیدستی بر فقیر سنگینی نکند و او را از پای در نیآورد.

تحقق عدالت اقتصادی در جامعه، نیازمند به ایجاد زمینه و عمل به راهکارهای خاص آن است. مهم‌ترین زمینه‌ی تحقق آن، حاکمیت تربیت دینی و باورهای اسلامی بر جامعه است. گذشتن از مال و دارایی امکان ندارد، مگر با تکیه بر این باور که این گذشتن‌ها، رشد و کمال انسان در دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت.

مؤثرترین راهکار عملی آن هم، توزیع عادلانه‌ی ثروت جامعه از سوی دولت اسلامی از یک سو و انفاق‌های گسترده‌ی توانگران جامعه نسبت به نیازمندان از سوی دیگر می‌باشد.

## ۱۲. انتخاب مدیر شایسته

به نظر می‌رسد مهم‌ترین پارادایم مدیریت موفق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام انتخاب شخصیت‌های صالح جهت تصدی امور بود که عامل تغییر و تحول اساسی در جهان شد و دین الهی با رهبری این دو بزرگوار به سراسر مردم جهان معرفی و ابلاغ گردید.

به دیگر سخن، از جمله عوامل تقویت و پیاده نمودن صحیح اصول مدیریت و بهبود معیشت مردم، انتصاب مدیر شایسته از جانب مقام مافوق است که موجب رضایت و دلگرمی مردم به آینده و امور جاری می‌شود و این مسأله در انتخاب امام علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به منصفی ظهور رسید که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور الهی ایشان را به عنوان

امام به مردم معرفی نمود. ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ (الأنعام، ۱۲۴).

مالک اشتر نقل می‌کند؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان بیعت با امام علی علیه السلام فرمود: «ای مردم او (علی ابن ابی طالب علیه السلام) وصی اوصیاء و وارث علم انبیاء است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۹-۶ و علامه طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۵۵).

از آسیب‌های جدی و تهدید کننده‌ی حکومت اسلامی، عدم انتخاب مدیر شایسته برای جایگاه مفروض است. بررسی دوره‌های متعدد حیات امام علی علیه السلام نشان دهنده‌ی این واقعیت‌ها است که ایشان نه تنها در دستگاه حکومتی خود، به افراد معاند مسئولیتی ندادند، بلکه از اشخاص غیر معتقد به اسلام، فاسق و دنیاطلب بهره نبردند. به عنوان مثال امام علی علیه السلام پس از آنکه حکومت را به دست گرفت، پاره‌ای از عوامل اجرایی حکومت خلیفه‌ی سوم را عزل و افراد شایسته را به جای آنها نصب کرد. طلحه و زبیر که به طمع فرمانروایی کوفه و بصره، بیعت کرده بودند، (شیخ مفید، بی تا، ص ۱۷۵) با امتناع حضرت علی علیه السلام مواجه شدند و در نتیجه دشمنی با آن حضرت را آغاز نمودند. برای اینکه روشن شود چرا امام علی علیه السلام فرمانروایی کوفه و بصره را به طلحه و زبیر واگذار نکردند، کافی است شخصیت این دو صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله اندکی بررسی گردد.

از زمان خلیفه‌ی دوم به دارندگان سابقه‌ی جهاد و هجرت، سهم و حقوق بیشتری داده می‌شد. این سیاست در دوره‌ی خلافت خلیفه‌ی سوم نیز گسترش و شدت بیشتری یافته بود، به گونه‌ای که نابرابری‌ها و اختلاف طبقاتی و یژه‌ای پدید آمده بود. امام علی علیه السلام با این روش مخالف و برای مردم حقوق اجتماعی یکسانی قایل بود. طلحه و زبیر که در این دو دوره به دنیاطلبی و زراندوزی رو آورده بودند، به این امتیازات عادت کرده و با سیاست علی علیه السلام مخالفت می‌کردند، (عبدالمقصود، بی تا، ج ۲، ص ۷ و ۳۷) از این رو، امام علی علیه السلام از واگذاری مناصب حکومتی و بیت‌المال به اینان خودداری نمود، و در برابر کسانی که ایشان را در این مسأله سرزنش می‌نمودند، پاسخ داد: به خدا، تا زمانی که نظام آفرینش بر اساس عدالت در چرخش و حرکت است، من نیز از مسیر عدالت بیرون نمی‌روم و تبعیض در توزیع ثروت‌های عمومی را به خود روا نمی‌دارم (صبحی صالح، ۱۳۸۷ ق، ص ۱۸۳).



امام علی علیه السلام در ضمن نامه‌ای به مالک اشتر به وی تذکر می‌دهد که بدترین وزرای تو آن وزیری است که رفتار فاسقی داشته باشد و در جور و ستم و سایر گناهان او موافقت و مرافقت کرده باشند. زنها را! که چنین کسانی را وزیر و صاحب تدبیر خود و محرم اسرار خویش مگردان؛ چه اینها یاران گنهکار و برادران ستمکارانند؛ به جور و ظلم عادت کرده‌اند و نیکویی تو را ضایع می‌سازند. (همان، ص ۴۲۶) همان طوری که ملاحظه می‌شود، امام علی علیه السلام به کارگیری چنین وزیرانی را مانع به ثمر رسیدن تلاش‌های حق طلبانه و آنها را زمینه ساز نفوذ دشمنان می‌داند. در این نامه، حضرت یکی از موانع همکاری با دستگاه حکومت اسلامی و نزدیکی به حاکم اسلامی را شرک ذکر می‌کند. این کلام حضرت یادآور آیات قرآن است که: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (النساء، ۱۴۱). از دیدگاه اسلام جایز نیست کافران بر سرنوشت مسلمانان مسلط گردند. از این رو، نزدیکی آنها به حاکم و حکومت اسلامی زمینه ساز تسلط آنان بر سرنوشت مسلمانان است.

بنابراین، می‌نتیجه گرفت که به دلیل حق ستیزی و بی‌علاقگی مخالفان، به اسلام و حاکمیت مسلمانان، نباید مسؤولیت‌های حکومت و اداره جامعه را به آنها سپرد.

از منظر امام علی علیه السلام وجود ویژگی و شاخص‌های ذیل در مدیر می‌تواند او را در رهبری موفق سازد:

۱. معرفی مدیریت اسلامی به مردم، خاصه نسل جدید
  ۲. پایه‌گذاری علوم حقه‌ی اسلامی در میان نیروی انسانی
  ۳. دوری از مدهانه و صورت‌سازی
  ۴. پایبندی به قوانین اسلام
  ۵. تأسیس و آموزش علوم جدید و مورد نیاز نیروی انسان (نک: جعفریان، ۱۳۷۴، ش، ج ۲، ص ۲۱۷، کوفی، ۱۳۷۴، ش، ج ۲، ص ۳۸۴، التستری، ۱۳۸۷، ش، ج ۳، ص ۵۷-۵۵ و نصر بن مزاحم، بی‌تا، ص ۱۸، ۲۳، ۲۴)
- در فرهنگ امام علی علیه السلام تصدی پست مدیریت، ورود به میدان رقابت شخصی، تفاخر و بدعت نیست. بلکه میدان مسابقه نیکي‌ها و آزمایش مردان در عرصه‌ی عمل است. امام در حکومت خویش با انتخاب مدیران، استعداد آنها را



مورد سنجش قرار می‌داد و می‌فرمود: «الولايات مضامير الرجال» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۵۴) یعنی: زمامداری‌ها، میدان مسابقه و آزمایش مردان است. امام علیه السلام درباره‌ی نقش خود به عنوان مدبر و حاکم می‌فرماید: «همانا من در میان شما مانند چراغم در تاریکی، آنکه به تاریکی پای گذارد از آن چراغ روشنی جوید و سود بردارد (جعفریان، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۲۷۱).

### ۱۳. لزوم تشکیل مدیریت مرکزی و ویژگی‌های آن

تعیین مدیریت مرکزی ابزار کمکی و راهبردی، در اثربخش بودن مدیریت اسلامی است. حال این عامل دارای چه مقدار گستردگی باشد، در بازدهی تأثیر گذار خواهد بود و به نوعی می‌تواند در کارکرد نیروی انسانی و حوزه‌ی استحفاظی مدیر اثرگذاری مستقیم داشته باشد. هم‌چنان‌که در زمان امام علی علیه السلام تعیین کوفه به عنوان پایتخت مرکزی یک عامل کنترل و نظارت نزدیک بر عملکرد مدیران کشور و حکومت بود (نک: جعفریان، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۳۷۰).

ویژگی‌های کوفه:

۱. حمایت مقطعی مردم کوفه از اهلیت علیه السلام
۲. وجود گروه‌های سیاسی و مذهبی در کوفه
۳. حساسیت قبیله‌ای که مشکلی برای عدم یکپارچگی مردم بود با انتخاب کوفه به عنوان پایتخت، شرایط بهتری رقم خورد.

هر کشوری دارای مدیریت مرکزی یعنی پایتخت است که با ویژگی‌های موجود در آن، تمام قلمروی خود را در اقضا نقاط می‌تواند تحت کنترل داشته باشد. استقرار وزارت‌خانه‌ها، دیون اداری، گروه‌های سیاسی و احزاب در مرکزیت کشور عاملی است جهت تعالی کشور.

پایتخت به غیر از عهده داشتن مدیریت مرکزی کشور در ابعاد مختلف، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که امام علی علیه السلام در کلام خود در خصوص انتخاب کوفه به عنوان پایتخت به آن اشاره فرموده است. پایتخت کشور اسلامی به

موجب رفت و آمد سفرا و نمایندگان کشورهای بیگانه باید مورد توجه قرار گیرد زیرا آئینه و نماد معماری و فرهنگ اسلامی به شمار می‌آید. امام علی علیه السلام با در نظر گرفتن چند ویژگی در انتخاب مرکز، کنترل کشور را لازم و ضروری می‌داند که این بیانگر نگاه عمیق امام به حکومتداری و سیاست کشورداری است. چنانچه در حکومت امام علیه السلام این مهم در خصوص استقرار پایتخت در عراق به طور جد دنبال شد که در اهمیت آنجا فرمود: «ان الاموال و الرجال بالعراق» (حسین، بی‌تا، ص ۳۲).

#### ۱۴. شجاعت

تصمیم و عکس‌العمل مناسب در مقابل جریانات متعدد یکی از تدابیر مدیریت اسلامی است. چنانچه در جریان اقدامات شورشیان و معاویه و تصاحب بصره و شام و امکانات اقتصادی در حوزه‌ی شرق و احتمال پذیرفتن واگذاری جریان به شورا از سوی امام علیه السلام و کناره‌گیری وی از حکومت، این اتفاق رخ داد و مردم در فکر بودند که عکس‌العمل امام علیه السلام با شرایط حاکم چه خواهد بود. ولی امام مصمم به جنگ شد و خلاف نظر و تصمیم ذهنی آنان اقدام نمود. (جعفریان، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۲۷۶)

از اندیشه‌های سیاسی مدیریت اسلامی که مکرر در تاریخ نقل شده است شجاعت امام علی علیه السلام است. چه در میدان جنگ و چه در میدان منازعات علمی، سیاسی و معرفی دین. *انسانی و مطالعات فرهنگی*

در عرصه‌های گوناگون و از زبان دوست و دشمن، ایشان نماد انسان کامل در شجاعت هستند. به عنوان مثال می‌توان به شجاعت امام بعد از سرکوبی شورش جملیان اشاره نمود که نقطه عطفی بر حکومت ایشان بود. چنانچه با حضور یافتن در نزدیک‌ترین مکان نسبت به شام؛ شیوه‌ی حضور فیزیکی را انتخاب نمود و در نتیجه موجب تزلزل شخصیت مسلمانان ضعیف‌الایمان گردید. نقل است که امام علیه السلام در نامه‌ی خود به معاویه از شجاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین مرقوم فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که سختی‌های جنگ بالا می‌گرفت و مردم به عقب بر می‌گشتند اهل بیت خود را پیش می‌انداختند و یاران خود را از حرارت سوزان شمشیرها و نیزه‌ها حفظ می‌کردند (همان، ص ۱۷۶).

ابن ابی‌الحدید در شجاعت و دلاوری حضرت، خیلی مختصر بحث می‌کند و علت اختصار کتابش را در این باب چنین بیان می‌کند: «و هذا الفصل لا معنى للاطناب فيه لانه من المعلومات الضرورية كالعلم بوجود مکه و مصر و نحوها» یعنی: طولانی کردن این بحث معنی ندارد زیرا شجاعت علی عليه السلام از معلومات ضروری است و کسی در آن شک ندارد مثل علم به وجود مکه و مصر و... (همو، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۶).

آنگاه چند مورد را به عنوان نمونه ذکر می‌کند؛ از جمله در باب شجاعت حضرت در جنگ بدر می‌گوید: «قتل (بدر کبری) سبعون من المشركين، قتل علی عليه السلام نصفهم و قتل المسلمون و الملائكة نصف الاخرى (همان، ج ۱، ص ۲۴) یعنی: در جنگ بدر کبری هفتاد نفر از مشرکین کشته شدند که نیمی از آنها را علی عليه السلام کشته بود و نیم دیگر را ملائکه و مسلمین.

با بررسی کتاب‌های تاریخی به این نتیجه رسیدیم که امام علی عليه السلام در شجاعت زبان زد عام و خاص و دوست و دشمن بود، چنان‌چه نقل می‌کنند: شجاعت‌های امام علی عليه السلام موجب آن شد که کفار او را مرگ سرخ نام نهادند (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۲۷۹ و ۲۷۶ و عاملی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۹۱).

## ۱۵. عمل به سنت فاضله

احترام به سنت فاضله‌ی پیامبر صلى الله عليه وآله، احترام به پیامبر صلى الله عليه وآله است. امام علی عليه السلام با عمل به سنت پیامبر صلى الله عليه وآله و زنده نگه داشتن شعائر آن حضرت توانستند مظهر فکری و عملی سنت پیامبر صلى الله عليه وآله باشند. لازم به ذکر است که منافقان و دشمنان اسلام با تبلیغات گسترده‌ی خویش در صدد تضعیف آن شعارها و فضیلت‌ها بودند، تا مردم را از صحنه‌ی اسلام حقیقی و یاری دادن آن دور کنند. با سیری در تاریخ مشاهده می‌شود که هر وقت منافقان مکر کردند، خداوند به واسطه‌ی حجت خویش در زمین مکرشان را به خودشان برگردانده است. عامل اصلی رسوایی کفار و منافقین این است که حکومت اسلامی، حکومتی الهی است که به دست فردی الهی مدیریت می‌شود. جایگاه زنده نگهداشتن سنت فاضله و شعائر چنان است که امام علی عليه السلام در نامه‌ی ۵۳ می‌فرماید: «به یاد آور زمامدارانی که حکومت دادگرانه گسترده‌اند و به سنت

فاضله عمل نمودند و واجبات کتاب الهی را پیروی نمودند پس تبعیت کن از آن اعمالی که ما انجام دادیم و تو آن را مشاهده کردی» (عزیزی، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۱۸). با توجه به فرمایش مذکور ضرورت پیروی از کتاب الهی و شیوه‌ی حکومتی معصومین علیهم‌السلام تأکید و عمل به آن متضمن پیروزی است. اگر هر مقام مسئولی، خود را از پیروی معصومین علیهم‌السلام بازداشت و تفکر و نظر خود را ترجیح داد دیگر تکریم ارباب رجوع و حفظ بیت المال را نباید از او انتظار داشت. در فرهنگ امام علی علیه‌السلام شخص مدیر در جایگاه راعی و امانت دار مردم و خادم آنهاست.

### ۱۶. تعامل مستقیم و بی‌واسطه با مردم

تعامل با مردم از لحاظ روانی آثار قابل توجهی در انجام وظایف مدیر و نیروهای انسانی خواهد داشت. در تأکید عمل به آن، امام در نامه خود به قثم بن عباس کارگزارشان در مکه می‌فرماید: «از طرف تو برای مردم سفیری جز زبانت نباشد و مابین تو و مردم فاصله و پرده‌ای جز صورتت قرار مده و هیچ نیازمندی را از دیدار رویت محروم مکن، زیرا اگر در آغاز ورود بر تو منع گردد پس از آنکه حاجتش روا کردند سزاوار سپاسگزاری نخواهی گشت» (عزیزی، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۲۱).

### ۱۷. برخورد با رفاه طلبی

مقابله با دنیاگرایی و رفاه طلبی مسئولان و مدیران جامعه اسلامی، یکی از وجوه‌های جلب رضایت حداکثری محسوب می‌شود؛ طوری که امام علی علیه‌السلام این مسأله را طی نامه‌ای به عمال خویش در نقاط مختلف قلمرو حکومت متذکر شده و آنها را به پرهیز از دنیاگرایی و رفاه طلبی توصیه نمود و این مهم سبب شد تا مدیران از نشستن بر سر سفره‌های رنگین خودداری نموده و به فرامین امام علی علیه‌السلام گوش فرادهند. (همان، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۴۸)

امام علی علیه‌السلام در برخورد با رفاه طلبی تا حدی قاطعیت داشتند که به عنوان نمونه می‌توان نامه‌ی ۴۰ نهج البلاغه را به دقت مطالعه نمود.

## ۱۸. برپایی برنامه‌های فرهنگی

اجرای برنامه‌های فرهنگی در رشد معنویت و قرب الهی بسیار حائز اهمیت است. در کنار فعالیت‌های سیاسی، برنامه‌ریزی فرهنگی- مذهبی از ضروریات مدیریت علوی است. امام علی علیه السلام مدیران و حاکمان را در چگونگی برخورد با این امر مهم راهنمایی و مواردی را گوشزد نمودند (زمخشری، بی تا، ج ۱، ص ۴۱).

۱. عوت مبلغان در بین آحاد جامعه در جهت ترویج فرهنگ اسلامی

۲. دایر نمودن کلاس‌های آموزشی و تربیت معلمان

۳. ساختن مساجد

۴. اکرام اذان و مؤذنان

با توجه به موارد مذکور کاملاً مشهود است که امام علی علیه السلام برای برنامه‌های منسجم اسلامی در راستای رشد و بلوغ فرهنگی مردم اهمیت ویژه‌ای قائل بودند.

## ۱۹. مبارزه با منفعت طلبی

دنبال نمودن منافع شخصی در مدیریت کلان، عمر مدیریت را کم نموده و منجر به ترور شخصیت مدیر و تزلزل عزت نفس وی می‌شود. اگر این عامل به فعلیت برسد، موجب ایجاد بدعت در سیستم و بدنبال آن مطرح شدن منفعت شخصی می‌گردد. امام علی علیه السلام در مقابله با این عمل ناخرسند و غیرحرفه‌ای مدیران می‌فرماید: «أَنَّه لَا يَنْفَعُ عَبْدًا وَ-إِنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ وَ-أَخْلَصَ فِعْلَهُ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا لَأَقْبِيَّ رَبَّهُ بِخَصْلَةٍ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ لَمْ يَتُبْ مِنْهَا أَنْ يُشْرِكَ بِاللَّهِ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ مِنْ عِبَادَتِهِ أَوْ يَشْفِي غَيْظَهُ بِهَلَاكِ نَفْسٍ أَوْ يَعْزَّ بِأَمْرِ فَعَلَهُ غَيْرُهُ أَوْ يَسْتَنْجِحَ حَاجَةً إِلَى النَّاسِ بِإِظْهَارِ بِدْعَةٍ فِي دِينِهِ أَوْ يَلْقَى النَّاسَ بِوَجْهَيْنِ أَوْ يَمْشِي فِيهِمْ بِلِسَانِي» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۱۵) یعنی: قطعاً برای هیچ بنده‌ای هر چند که خود را به تلاش و کوشش بیندازد و عملش را خالص نماید، سودی نخواهد داشت اگر از دنیا برای دیدار پروردگارش بیرون برود و دارای یکی از این خصلت‌ها بوده باشد و از آن توبه ننماید:

۱. در عبادتی که خدا برای او مقرر داشته است، شرک بورزد.
۲. غضب خود را با هلاکت یک نفس انسانی فرو بنشاند.
۳. معیوب و مردود بداند، کسی را در باره‌ی کاری که خود آن را انجام داده است.
۴. با ارتکاب بدعت گذاری در دین، نیاز خود را از مردم برآورد. (منفعت طلبی)
۵. با مردم با دورویی در ارتباط باشد.
۶. در میان مردم با دو زبان رفتار نماید.

## ۲۰. محکومیت ریختن خون ناحق

امام علی علیه السلام در محکومیت ریختن خون ناحق، می‌فرماید: «ای مالک حکومت خود را با ریختن خون ناحق تقویت مکن چرا که این کار حکومت را سست و متزلزل می‌سازد و بنیان آن را از ریشه‌کن می‌کند و به دیگران منتقل می‌نماید. (نک: عزیزی، ۱۳۸۰، ص ۵۳).

## ۲۱. عدم اختلافات ناشی از هوای نفس

طبق بررسی‌های تاریخی - روایی، بخشی از ریشه اختلافات فکری، در حیطه‌ی اجتهادی است و بخشی در هواهای نفسانی و بخشی دیگر در دین است به فرموده‌ی امام علی علیه السلام عامل محرک اختلاف در دین و اجتهاد، همان هوای نفس است که در حدیثی می‌فرماید: «پیش از این، دین اسیر مشت‌ی شرور بوده که با هوای نفس با آن برخورد کرده‌اند» (جعفریان ۱۳۷۴، ج ۲ ص ۳۳۷). بنابراین لازم می‌دانیم دو سیئه‌ی بسیار مهم که از هوای نفس مدیران نشأت گرفته و باعث ایجاد اختلاف می‌گردد را به اجمال بررسی نماییم:

### ۱.۲۱. بخل

اقتدار مدیریت اسلامی در جامعه، زمانی مخدوش می‌شود، که صفت بخل در مدیران گردد. امام علی علیه السلام در مذمت آن می‌فرماید: «کسی که حاکم بر ناموس، خون، غنایم، احکام مسلمانان و متصدی رهبری است شایسته نیست

که بخیل باشد که در اثر آن به سنت عمل نکرده و امت را به نابودی می‌کشاند» (عزیزی، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۲۰).

## ۲.۲۱. تفاخر

به فرموده‌ی امام علی علیه السلام از سخیف‌ترین حالات مدیران و زمامداران است که به آنها گمان برده شود که دوستدار تفاخرند و امورشان را بر کبر و خودپسندی قرار می‌دهند.

حضرت می‌فرماید «پناه ببرید به خدا از چیزهایی که تکبر را بارور کند. چنانچه پناه می‌برید از حوادث ناگوار روزگار، و مهیاً کنید خود را برای پیکار با تکبر به مقدار طاقت و توان خود» (همان).

## ۲.۲. حفظ وحدت و بررسی موانع آن

از اساسی‌ترین فعالیت‌های حاکم اسلامی، حفظ جماعت و ایجاد وحدت بین آنهاست که می‌تواند منشأ قدرت‌نمایی دولت اسلامی باشد. امام علی علیه السلام با تأکید بر حفظ وحدت، دور شدن از جماعت را همانند دور شدن از گله‌ی گوسفند می‌داند که گرفتار گرگ می‌شود. (همان، ص ۱۲۷). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند پیامبری راهنما، با کتابی گویا و دستوری استوار (برای هدایت مردم) برانگیخت که جز افراد گمراه از آن اعراض نمی‌کنند. (بدانید) بدعت‌هایی که به رنگ حق در آمده‌اند، مگر خداوند ما را حفظ کند، متابعت از حکومت الهی حافظ امور شما است. بنابراین زمام اطاعت خود را بدون اینکه نفاق ورزید، و یا ذره‌ای اکراه داشته باشید به دست او بسپارید. به خدا سوگند اگر مخلصانه از حکومت حق اطاعت نکنید خداوند آن را از شما خواهد گرفت (طبری، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۶۳) و نیز می‌فرماید: «بدان هیچ‌کس از من بر اتحاد و همبستگی در امت محمد صلی الله علیه و آله حریص‌تر نیست، من در این کار خواستار پاداش نیکو و بازگشت به جایگاه نیکو هستم» (عزیزی، ۱۳۸۰ ش، ص ۶۱۸).

امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه، وحدت اسلامی را این‌گونه تعریف می‌کند: «خواسته‌های آنان یکی، قلب‌های آنان یکسان و دست‌های آنان مددکار یکدیگر، شمشیرها یاری‌کننده، نگاه‌ها به یک سو دوخته و اراده‌ها واحد و همسو بود» (عزیزی، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۹۴).



با توجه به اینکه وحدت، قله‌ی عطف مدیریت جامعه اسلامی محسوب می‌گردد، موانع وحدت در ذیل دو عنوان عدم همبستگی و دو دستگی بررسی گردد.

## ۱.۲۲. عدم همبستگی

عدم همبستگی سران جامعه می‌تواند عامل براندازی حکومت گردد. ناهماهنگی و از هم گسیختگی افراد جامعه باعث ایجاد خلأ و رفع آن عامل بهسازی منابع انسانی و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها می‌گردد. به عنوان مثال در زمان امام علی علیه السلام شماری از رهبران قریش از این جریان سوء استفاده نمودند (نعمانی، ج ۲، ص ۱۰۶) و با توجه به اوضاع سیاسی جامعه و حمایت اندک طوایف از بنی هاشم؛ مقدمات انحلال مدیریت خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تشکیل حکومت جدید را فراهم نمودند.

با استناد بر تاریخ، دشمنان اسلام در طول سالیان متمادی با ضعف همبستگی مردم توانسته‌اند بر صفوف مسلمین نفوذ نمایند که نمونه آن را می‌توان در حکومت‌ها و جوامع اسلامی مشاهده کرد. در مقابل آن همبستگی و برادری دینی است که سبب ایجاد انس و الفت مردمی و نهایتاً باعث ایجاد امنیت داخلی و خارجی می‌گردد و برکات بی‌شماری برای نظام اسلامی به ارمغان می‌آورد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام که در سایه مکتب پیامبر بالیده و دستورات اسلامی را از ایشان فرا گرفته است، تکامل مادی و معنوی امت اسلامی را در انسجام و اتحاد اسلامی می‌داند و با رفتارهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی خویش در صدد اتحاد هرچه بیشتر جامعه اسلامی بود. ایشان هدفی جز این نداشتند که شکاف امت‌ها را از میان بردارند یا راه رشدی را آماده سازند. (عبدالمقصود، ۱۳۷۳ ق، ص ۱۲۹) حضرت می‌فرمایند: «شما بر اساس دین خدا برادران یکدیگرید، چیزی جز آلودگی درون‌ها و بدی نیت‌ها، شما را از هم جدا نکرده است، به همین دلیل یکدیگر را یاری نمی‌دهید، و خیرخواهی نمی‌کنید و به یک‌دیگر بذل و بخشش ندارید و باهم دوستی نمی‌ورزید» (عزیزی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۱۳).



## ۲۰۲۲. دودستگی

به وجود آمدن دودستگی در داخل سازمان یا حکومت از عوامل مهم تضعیف مدیریت است. شایان ذکر است که در زمان امام علی علیه السلام در بین مردم دو دستگی بوجود آمد، دسته‌ای مخالفان امام بودند که در اردوگاه امویان حضور داشتند و دسته‌ی دیگر کسانی بودند که امام را عامل خون عثمان می‌دانستند (نک: جعفریان، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۲۹) که امام با سیاست و کیاست مردم را به وحدت و تکیه بر مشترکات دوطرفه فراخواندند.

## ۲۳. نتیجه

ارتباط تنگاتنگی بین حاکم و حاکمیت، مدیر و مدیریت و رهبر با راهبری اسلامی وجود دارد که باید بر پایه‌ی اسلوب اسلام باشد به عبارت دیگر هم مبانی نظریه‌ی حکومت، اسلامی باشد و هم مدیر به فضایل اخلاق اسلامی، آراسته گردد. طبق اسناد تاریخی بررسی شده، مجموعه‌ی شاخص‌ها و معیارهای مدیریت علوی بر محور خود شناسی و خدا شناسی مدیر می‌باشد، که منجر به تشخیص کمال و طی طریق می‌گردد.

این شاخصه‌ها عبارتند از: برخورد با بدعت‌ها، آزادی فعالیت احزاب، مذاکره، رابطه‌ی با بزرگان، جذب نخبگان، ممانعت از جوسازی، رعایت ساختار اصلاحی، استفاده بهینه از منابع، تمکین در چارچوب قانون، عدالت اقتصادی، انتخاب مدیر شایسته، لزوم تشکیل مدیریت مرکزی، شجاعت، عمل به سنت فاضله، تعامل مستقیم و بی‌واسطه با مردم، برخورد با رفاه طلبی، برپایی برنامه‌های فرهنگی، مبارزه با منفعت طلبی، جلوگیری از ریختن خون ناحق، عدم اختلافات ناشی از هوای نفس و حفظ وحدت.

## منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید ابن هبه الله، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۳. ابن اثیر، علی ابن محمد، *الکامل فی التاریخ*، لبنان: دار الصادر بیروت، بی تا.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی*، بیروت: اعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ ق، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، *معانی الأخبار*، ترجمه: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۶. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم ۱۳۶۳ ق.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب (علیّه السلام)*، قم: علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ ق.
۸. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، *جامع بیان العلم و فضله*، بیروت: دارالفکر بیروت \_ لبنان، بی تا.
۹. ابوزهره، محمد، *خاتم پیامبران*، ترجمه حسین صابری، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. ابی الفضل احمد بن ابی طاهر طیفور، *بلاغات النساء*، قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۸ ق.
۱۱. احمدی، ظهیر، *مفهوم شناسی امت در قرآن و اجتماع*، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره دوم، بی تا.
۱۲. اعثم کوفی، ابو محمد احمد بن علی، *الفتوح*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. اعلمی حائری، محمد حسین، *تراجم اعلام النساء*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت \_ لبنان، بی تا.
۱۴. آقا نوری، علی، *امامان شیعه و وحدت اسلامی*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، بی تا.
۱۵. آیتی، محمد ابراهیم، *تاریخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، *الجمال و النصره لسید العتره فی حرب البصره*، تحقیق سید علی می‌رشریفی، چاپ اول: قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. بوازار، مارسل، *انسان دوستی در اسلام*، ترجمه محمد حسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی، تهران: طوس، ۱۳۶۲ ش.
۱۸. تصنیف ابی القاسم علی بن الحسن ابن هبه الله بن عبدالله الشافعی المعروف به ابن عساکر، *تاریخ دمشق*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق. = ۱۹۹۵ م.

۱۹. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، *الغارات*، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴ ش.
۲۰. جعفری تبریزی، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا.
۲۱. جعفریان، رسول، *تاریخ خلفا (تاریخ سیاسی اسلام)*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات تهران، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. جمشیدی، محمدحسین، *چیستی و ماهیت وحدت و همبستگی در اندیشه امام خمینی*، پژوهشنامه متین، شماره ۲۷، بی‌تا.
۲۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت، دارالعلم، چاپ چهارم، بی‌تا.
۲۴. حسن ابراهیم، حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، جاویدان، بی‌تا.
۲۵. حموی، یاقوت ابن عبدالله، *معجم البلدان*، دار صادر بیروت \_ لبنان، بی‌تا.
۲۶. خامنه‌ای، سید علی، *حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، بی‌تا.
۲۷. خومحمدی، سعید، *وحدت اسلامی یا وفاق تشیع و تسنن در سخنان امام علی (ع)*، مجله نهج البلاغه، شماره ۱۵، بی‌تا.
۲۸. خطیب بغدادی، علی بن احمد، *تاریخ بغداد*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۲۹. حسین طه، علی و فرزندانش، *گنجینه*، بی‌تا.
۳۰. زمخشری، محمود، *ربیع الابرار و نصوص الاخبار*، مؤسسة الأعلمی، بیروت: بی‌تا.
۳۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور*، بیروت: دار الفکر، بی‌تا.
۳۲. شوشتری، نور... بن شریف الدین، *احقاق الحق*، نشر کتابخانه حضرت آیت... مرعشی نجفی، بی‌تا.
۳۳. شوشتری تستری، محمد تقی، *ترجمه بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه*، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ۱۳۸۷ ش.
۳۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. صبحی، صالح، *نهج البلاغه*، قم: مؤسسه دارالهجره قم، ۱۴۱۴ ق.

۳۶. صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *شیعه در اسلام*، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، حسن زاده، صادق، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸ ق.
۳۹. عاملی، جعفر مرتضی، *الصحیح من سیره النبی*، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.
۴۰. عبدالمقصود، عبدالفتاح، امام علی بن ابی طالب علیه السلام: تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام، ترجمه محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، بی‌تا.
۴۱. عمید زنجانی، عباسعلی، *اسلام و همزیستی مسالمت آمیز*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۴ ق.
۴۲. قوامی، سید صمصام الدین، *مدیریت از منظر کتاب و سنت*، چاپ سوم، انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، بی‌تا.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۴۴. همو، *الفروع من الکافی*، بیروت: دارالتعارف، چاپ سوم، ۱۴۰۱ ق.
۴۵. متقی هندی، علی، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرسالة، بی‌تا.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ترجمه موسی خسروی و دیگران، تهران: نشر اسلامیه، بی‌تا.
۴۷. محمدی اشتهاردی، محمد، *صبر و مقاومت در سیره پیشوایان*، مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۷۴، بی‌تا.
۴۸. مطهری، مرتضی، *حکومت دینی در اندیشه آیت الله مطهری*، تهران: انتشارات صدرا، بی‌تا.
۴۹. مفید، محمد بن محمد، *الفصول المختاره من العیون و المحاسن*، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، بی‌تا.
۵۰. نصر بن مزاحم، وقعه صفین، *مکتبه آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام*، بی‌تا.
۵۱. نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل*، قم: موسسه‌ی آل‌البت علیهم السلام، لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ ق.
۵۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دارصادر، بی‌تا.